

بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و قدرت نرم در مقابله با تهدیدهای ج.ا.ایران

مورد مطالعه: استادان دانشگاه‌های ارتش ج.ا.ایران

امیرمسعود شهرام‌نیا^۱، حسین مهدیان^۲، فریبرز فلاحتی^۳، محمودرضا رهبر قاضی^۴

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۱

تاریخ دریافت: ۹۴/۴/۲

چکیده

قدرت نرم، نقش مهمی در تقویت سرمایه اجتماعی یک کشور ایفا می‌کند. پرسش اصلی این است که سرمایه اجتماعی بر قدرت نرم ج.ا.ایران چه تأثیری دارد؟ روش تحقیق، پیمایشی بوده و نمونه آماری آن، ۱۷۷ نفر از استادان دانشگاه‌های ارتش ج.ا.ایران می‌باشند. داده‌های آن از طریق پرسشنامه ساختاریافته گردآوری و با استفاده از SPSS تجزیه و تحلیل شدند. برای ارزیابی پایایی ابزار پژوهش از روش آلفای کرونباخ و در جهت روایی از روایی صورتی استفاده شده است. همبستگی بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته نیز با استفاده از آزمون پیرسون سنجیده شده است. برای سنجش الگوی تجربی پژوهش از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و قدرت نرم رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ به این شکل که ضریب همبستگی پیرسون بین اعتماد اجتماعی و قدرت نرم (۰/۲۱)، هنجارهای اجتماعی و قدرت نرم (۰/۲۷) و مشارکت اجتماعی با میزان قدرت نرم (۰/۵۳) بوده است. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نیز بیانگر آن بود که تمام ضرایب رگرسیون مثبت است و بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با ابعاد قدرت نرم ارتباط مثبت وجود دارد.

واژگان کلیدی: اعتماد، سرمایه اجتماعی، قدرت نرم، مشارکت، مشروعیت سیاسی.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، نویسنده مسئول. Hmahdian58@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش مسائل ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

۴. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

۱. کلیات

۱-۱. بیان مسئله

یکی از مفاهیم عمده در روابط بین‌الملل از زمان انتشار اولین نوشته‌های سیاسی از توسیدید و ماکیاولی^۱، مفهوم قدرت بوده است و شاید در میان مهم‌ترین و کم‌فهم‌ترین مفاهیم در نظریه سیاسی باقی مانده است (Nye, 2002: 2). به اعتقاد رابرت دال، قدرت توانایی یک بازیگر به نفوذ در اقدام‌های بازیگر دیگری است که در غیر این صورت به وقوع نخواهد پیوست (Dahl, 1957: 201)؛ به عبارت دیگر، قدرت را می‌توان ایجاد آثار و نتایج موردنظر تعریف کرد (Russell, 1986: 19).

در طی سال‌ها انواع مختلفی از قدرت مورد مطالعه قرار گرفته و تحولات اساسی در مفهوم‌شناسی آن رخ داده است، با این حال، دیدگاه سنتی و واقع‌گرایی بر این مفهوم غالب شد. مکتب واقع‌گرایی، قدرت را در نیروی نظامی و اقتصادی (و یا قدرت سخت) می‌داند؛ بنابراین تنها آزمون «قدرت بزرگ» می‌تواند «قدرت برای جنگ» باشد. در حالی که واقع‌گرایان به طور سنتی قدرت در کشور را توانایی تحت تأثیر قرار دادن و همچنین در عملکرد ملموس و اجباری منابع قدرت (تهدید و زور) نگاه می‌کردند، نای به طور مفصل مفهوم نفوذ^۲ را مورد توجه قرار داد که از منابع ناملموس قدرت مانند فرهنگ، اصول اساسی، ارزش‌ها و دیپلماسی عمومی مشتق شده که وی آن را به عنوان «قدرت نرم»^۳ تعریف می‌کند، البته قدرت نرم، همان نفوذ نیست؛ زیرا نفوذ می‌تواند از طریق قدرت سخت (تهدید) یا پاداش نیز ایجاد شود (ایزدی، ۱۳۸۷: ۱۲).

در اواخر قرن بیستم و با آغاز قرن بیست و یک مفهوم قدرت از حوزه سخت‌افزاری (قدرت سخت) به حوزه نرم‌افزاری (قدرت نرم) تحول یافت. به اعتقاد بیشتر سیاست‌مداران و تحلیلگران راهبردی با پایان جنگ سرد و ظهور انقلاب ارتباطات و

1. Machiavelli
2. Influence
3. Soft Power

شکل گرفتن تهدیدهای جدید امنیتی، محیط امنیتی نظام بین‌الملل تغییراتی اساسی یافت و نظم جدیدی ایجاد شد که در آن حوزه‌های امنیتی جهان به‌طور کامل در حال تغییر است. با توجه به شکل گرفتن این محیط جدید امنیتی، جمهوری اسلامی ایران باید مؤلفه‌های قدرت نرم خود را تقویت کند. از آنجاکه کسب مشروعیت سیاسی از مهم‌ترین ارکان قدرت نرم است و نقشی بسیار مهم در ایجاد اعتماد و وفاداری مردم به دولت دارد، ج.ا.ایران باید به نقش سرمایه اجتماعی^۱ به‌عنوان عامل اساسی ایجاد وفاق، همبستگی و اعتماد ملی و مشروعیت سیاسی توجه ویژه‌ای نماید.

به اعتقاد کارشناسان، مشروعیت سیاسی، یکپارچگی و توان سیاست‌سازی از ارکان اصلی قدرت و امنیت نرم در بُعد داخلی به‌شمار می‌آید و این مسئله، ریشه در سرمایه اجتماعی یک جامعه دارد. امروزه سرمایه اجتماعی، نقشی بسیار مهم‌تر از سرمایه فیزیکی و انسانی در جوامع به‌خصوص در زمینه امور حکومتی، تقویت مشروعیت سیاسی و افزایش قدرت نرم ایفا می‌کند. در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند و بدون سرمایه اجتماعی، پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی ناهموار و دشوار می‌شوند (ماه‌پیشانیان، ۱۳۹۰).

آگاهی از میزان چگونگی و وضعیت سرمایه اجتماعی در هر جامعه‌ای از موضوع‌های پژوهشی مهم محسوب می‌شود؛ به‌ویژه که بحث سرمایه اجتماعی در کشور، موضوعی به نسبت جدید است. شناخت از وضعیت سرمایه اجتماعی به‌مثابه شناخت از وضعیت اعتماد اجتماعی، میزان مشارکت مدنی و وجود شبکه‌های اجتماعی می‌تواند تبیین‌گر و راهگشای بسیاری از مسائل و مشکلات اجتماعی باشد. همان‌گونه که اندیشمندان و محققان زیادی از مفهوم این واژه برای توضیح و تبیین مشکلات و مسائل جامعه استفاده کرده‌اند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۷۶)؛ بنابراین مسئله این تحقیق، عدم وجود آگاهی کافی از تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر قدرت نرم ج.ا.ایران در مقابله با تهدیدها می‌باشد.

سرمایه اجتماعی، بیشتر مبتنی بر عوامل اجتماعی و فرهنگی است و شناسایی آن به عنوان یک نوع سرمایه چه در سطح مدیریت کلان توسعه کشورهای و چه در سطح مدیریت سازمانها و بنگاهها می تواند شناخت جدیدی از نظامهای اقتصادی و اجتماعی و همچنین میزان نفوذ و قدرت آنها ایجاد کند (امیرخانی، ۱۳۸۸: ۳۳). از آنجاکه جامعه ایران به شدت در حال تغییر است، بنابراین ضرورت شناخت و تعریف مفهومی سرمایه اجتماعی و سنجش آن بر اساس بستر اجتماعی و فرهنگی ایران و نیز بررسی نوع و شدت تأثیر آن بر میزان قدرت نرم می تواند در فراهم نمودن بستر مطالعات وضعیت موجود و روند سرمایه اجتماعی در ایران راهگشا باشد؛ همچنین به گسترش ابعاد سرمایه اجتماعی کمک نموده و نیز موجب افزایش عملکرد اجتماعی و اقتصادی افراد جامعه و هدایت آنان در دستیابی به هدف ارزشمند گردد. بررسی نقش سرمایه اجتماعی مؤثر، شرایط و زمینه‌های مثبت و منفی تأثیرگذار در ایجاد و حفظ آن، می تواند راهی برای تقویت قدرت نرم در میان افراد جامعه باشد. جوامعی که در جهت بهبود و تقویت سرمایه اجتماعی خود گام برمی دارند، نیازمند سنجش میزان سرمایه اجتماعی برای ارزیابی اقدامهای خود می باشند و این ممکن نخواهد بود مگر آنکه بتوانند روند صعود یا سقوط اجتماعی را در اجتماع خود تخمین بزنند. به طور قطع شناسایی عوامل مؤثر در ساخت سرمایه اجتماعی یکی از موارد ضروری در هر جامعه به شمار می رود.

سرمایه اجتماعی از ناحیه همبستگی های اجتماعی و وجود اعتماد متقابل بین مردم و مردم و حکومت حاصل می شود و در مقایسه با سایر سرمایه ها، به علت اینکه باعث یکپارچگی و قوت جمعی می شود، حداقل از نظر اقتدار ملی از اهمیت بیشتری برخوردار است.

۱-۲. اهمیت و ضرورت موضوع تحقیق

امروزه سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های توسعه پایدار، از ابزارهای ظرفیت‌سازی جوامع، تدبیری برای پیشگیری و کاهش انحراف‌های اجتماعی و عاملی برای موفقیت برنامه‌های رفاه اجتماعی و ارتقای میزان مشروعیت سیاسی و قدرت نرم کشورها به شمار می‌آید. اکنون در سال‌های آغازین قرن بیست و یکم، توجه به اهمیت سرمایه اجتماعی و لزوم شناخت ابعاد مختلف آن، یافتن راه‌های مناسب ارتقای این نوع سرمایه و کاربرد آن در چارچوب محیط اجتماعی، سیاسی، قانونی، اقتصادی و فرهنگی هر جامعه ضروری است. طرح موضوع سرمایه اجتماعی به دلیل قدمت کم آن در جامعه ایرانی، بیشتر در سطح مفهومی به آن پرداخته شده است، اما ادبیات موضوعی نشان می‌دهد که این مفهوم در حوزه علوم انسانی بالقوه از توان نظری و تحلیلی بالایی برخوردار بوده و می‌تواند به عنوان یک نظریه، راهگشای پیچیدگی‌ها و تبیین کژکارکردهای نظام‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی باشد.

۱-۳. پیشینه تحقیق

در راستای سرمایه اجتماعی و قدرت نرم، مطالعاتی مستقیم یا غیرمستقیم انجام شده است که می‌تواند در تدوین فرضیه‌ها و غنی‌تر کردن محتوای این مقاله کمک نماید. بر این اساس به صورت مختصر به مواردی از این مطالعه‌ها اشاره می‌شود:

جهان‌بین و امامی (۱۳۹۳) در پژوهشی بنام «سرمایه اجتماعی؛ حلقه ارتباطی قدرت نرم، امنیت نرم، تهدید نرم» به دنبال پاسخ به این پرسش بودند که چگونه می‌توان میان سه مؤلفه قدرت، تهدید و امنیت نرم ارتباط برقرار نمود؟ از دیدگاه آنها با حاکم شدن گفتمان نرم بر محیط امنیتی نظام جهانی، ماهیت مفاهیمی مانند قدرت، تهدید و امنیت و چگونگی ارتباط میان آنها در حال دگرگونی است و اینکه مشارکت، اعتماد و وفاداری مردم به دولت و در یک کلام سرمایه اجتماعی، نقشی مهم در تأمین امنیت ملی

و مقابله با تهدیدهای امنیتی و نیز افزایش میزان قدرتمندی کشورها یافته است. در این دیدگاه میزان امنیت و قدرت ماهیتی متفاوت و معطوف به مردم دارد؛ از این رو سرمایه اجتماعی می‌تواند به عنوان حلقه اتصال بین سه مؤلفه قدرت، امنیت و تهدید در گفتمان نرم‌افزاری قرار گیرد. وجود سرمایه اجتماعی کارآمد، به مثابه افزایش ضریب تدافعی و توانشی نظام سیاسی است که نتیجه آن، ثبات سیاسی است و فقدان سرمایه اجتماعی کارآمد، به معنای افزایش آسیب‌پذیری نظام تلقی می‌شود که نتیجه آن، بی‌ثباتی سیاسی است.

ابوالفتحی و نوری (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر سرمایه اجتماعی بر افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران» نشان دادند که از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، جنجال‌های متنوع و پردامنه‌ای در روابط ایران و آمریکا شکل گرفته است. از آن هنگام تاکنون، دو کشور، روابط سرد، پرتنش و خصمانه‌ای را سپری کرده‌اند و در روند چالش‌های متقابل، آمریکایی‌ها از الگوهای گوناگونی برای محدود کردن هدف‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بهره گرفته‌اند. یکی از مهم‌ترین و جدیدترین اقدام‌های آمریکا برای به چالش کشیدن نظام ج.ا.ایران در تهدیدهای نرم این کشور تجلی یافته است؛ از سوی دیگر جمهوری اسلامی با ابزارها و راهکارهای مختلف نسبت به این تهدیدها واکنش نشان داده است. جمهوری اسلامی می‌تواند با تکیه بر ابزار سرمایه اجتماعی و افزایش آن در سطح جامعه به ارتقا و افزایش قدرت نرم خود بپردازد و از طریق افزایش قدرت نرم، موجب خنثی‌سازی تهدیدهای نرم‌افزاری غرب شود.

قربانی شیخ‌نشین و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «قابلیت‌های سرمایه اجتماعی در شکل‌دهی به قدرت نرم» ارتباط بین مفهوم سرمایه اجتماعی و قدرت نرم را مورد بررسی قرار دادند و پس از تعریف و واکاوی مفاهیم بالا، به تبیین اجزا و ابعاد سرمایه اجتماعی و وجوه قدرت نرم پرداختند و به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین

مؤلفه‌های مورد توافق سرمایه اجتماعی که شامل اعتماد، هنجارها و شبکه‌های مشارکت اجتماعی هستند، ارتباط اجتناب‌ناپذیری با اعمال شیوه نوین قدرت (نرم) دارند؛ از این رو راهکار پیشنهادی آنها در این پژوهش با توجه به بسط مفهوم قدرت، تأکید بر توجه به مفهوم سرمایه اجتماعی و سرمایه‌گذاری در چهار وجه سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع است که زمینه‌ساز افزایش قدرت نرم خواهد بود که برآیند این ارتباط و ترکیب، ارتقای مشروعیت، مشارکت، ثبات و پاسخگویی و تحول در کارکردهای نظام سیاسی است.

ماه‌پیشانیان (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای با عنوان «افزایش سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران: راهکاری برای مقابله با تهدیدات نرم آمریکا» تلاش کرد که تأثیر سرمایه اجتماعی بر افزایش قدرت نرم را مورد بررسی قرار دهد. از دیدگاه وی با پایان یافتن رویارویی ایدئولوژیک میان دو اردوگاه متعارض شرق و غرب پس از پایان جنگ سرد و اهمیت یافتن تضادهای هویتی و فرهنگی به همراه کاربرد بیشتر جنگ نرم پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در منطق امپریالیستی آمریکا برای مقابله با جهان اسلام، مفاهیم امنیت ملی نیز تغییراتی مهم پیدا کرد؛ بنابراین از این پس تأکید بر افزایش قدرت فرهنگی و هویتی به عنوان مبنای اساسی برای قدرت ملی و پیروزی در جبهه جنگ نرم مطرح شد. در این میان، سرمایه اجتماعی نقشی بسیار مهم در افزایش قدرت نرم یک کشور ایفا می‌کند. ایران نیز امروزه به لحاظ وسعت سرزمینی، کمیت جمعیت، کیفیت نیروی انسانی، امکانات نظامی، منابع طبیعی سرشار و موقعیت جغرافیایی ممتاز در منطقه غرب آسیا و «سرزمین قلب» نظام بین‌الملل به قدرتی کم‌نظیر تبدیل شده که از دید کارشناسان سیاسی کشورهای غربی و رژیم صهیونیستی دیگر نمی‌توان با یورش نظامی و جنگ سخت با آن مقابله کرد بلکه تنها راه مقابله با نظام جمهوری اسلامی پیگیری سازوکارهای جنگ نرم است. در این میان رژیم صهیونیستی و آمریکا با ترکیبی از سازوکارهای جنگ نرم و رویکردهای تقابل گرایانه سعی در مقابله

با ایران از طریق تفرقه افکنی و شکل دادن به نافرمانی مدنی و انزوای بین المللی کشورمان دارند؛ بنابراین از آنجاکه سرمایه اجتماعی نقشی بسیار مهم در افزایش اعتماد و وفاداری ملی به دولت و به تبع آن افزایش مشروعیت سیاسی دارد، می تواند به عنوان یکی از مؤلفه های اساسی افزایش قدرت نرم در ج.ا.ایران مورد توجه قرار گیرد.

ایزدی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «مبانی قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران» منابع قدرت نرم در ج.ا.ایران را مورد بررسی قرار داد. از دیدگاه وی مؤلفه قدرت نرم به تازگی در ادبیات سیاسی و مفهوم قدرت، جای مناسبی پیدا کرده و هر روز زوایای جدیدی از آن کاویده و عرصه آن گسترده تر می شود. فهم درست این پدیده از نگاهی تطبیقی با قدرت سخت حاصل می شود. ویژگی هایی مانند کم هزینه و پرسود بودن، اجتماعی بودن، خصلت اقناعی داشتن و ایجاد خودانگیختگی در جامعه هدف برای اقدام به آنچه قدرتمندان انتظار دارند، برجستگی این مفهوم را بیشتر می کند. قدرت های سلطه گر در پی بازشناسی و بازسازی منابعی هستند که در کنار منابع قدرت سخت بتواند ادامه سلطه آنان را بر جوامع هموار سازد. نظام جمهوری اسلامی که از دستاوردهای انقلاب اسلامی است، به برکت این انقلاب، از منابع بی نظیر قدرت نرم برخوردار است. اسلام سیاسی، آموزه های مذهب تشیع به خصوص عدالت علوی (ع) و قیام امام حسین (ع)، روحیه شهادت طلبی، تقیه، انتظار و مهدویت، مرجعیت دینی، اصل ولایت مطلقه فقیه، اعتماد اجتماعی، وفاداری مردم و مسئولان، امید به آینده که از اصل مهدویت و پیروزی های شگرف انقلاب اسلامی بر قدرت های بزرگ به دست آمده، از منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی به شمار می آیند.

احمدی (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان «سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دموکراسی» درصدد برآمد تا به ارائه الگویی نو در راستای برقراری پیوند میان سرمایه اجتماعی و دموکراسی برسد. وی به این نتیجه رسید که پیوند میان سرمایه اجتماعی و دموکراسی، به صورت رابطه ای متقابل و دوسویه به واسطه مؤلفه های جامعه مدنی، شهروند قدرتمند

و فرهنگ صلح تبیین و تشریح شده است. از این منظر، حجم وافر سرمایه اجتماعی به تقویت شاخص‌های تشکیل دهنده مؤلفه‌های بالا، منجر شده و تقویت و تحکیم این سه مؤلفه، مجموعه‌ای از شرایط مناسب برای رشد و نضج دموکراسی و یا تثبیت آن را فراهم می‌آورد.

جانگ تیان ونگ^۱، در تحقیقی با عنوان «سرمایه اجتماعی و پیامدهای سیاسی در تایوان» معتقد است سرمایه اجتماعی می‌تواند زمینه‌ها و شرایط لازم را برای مشارکت سیاسی فعال و پویا و همچنین تقویت نهادهای دموکراتیک را برای رژیم‌های سیاسی به ارمغان آورد (Wang, 2002).

بررسی پیشینه مطالعات بالا گویای آن است که بیشتر تحقیق‌های انجام شده در این حوزه با رویکردی توصیفی و از مباحث آماری در حد توصیف استفاده کردند، درحالی‌که از نکات تمایز این مطالعه با مطالعه‌های پیشین، به‌کارگیری آزمون‌های آماری پیشرفته و متناسب با سطوح سنجش متغیرهاست.

۱-۴. پرسش‌های تحقیق

۱-۴-۱. پرسش اصلی

آیا بین سرمایه اجتماعی و قدرت نرم در ج.ا.ایران رابطه‌ای وجود دارد؟

۱-۴-۲. پرسش‌های فرعی

(۱) بین مشارکت اجتماعی و قدرت نرم چه رابطه‌ای وجود دارد؟

(۲) بین اعتماد اجتماعی و قدرت نرم چه رابطه‌ای وجود دارد؟

(۳) بین هنجارها و قدرت نرم چه رابطه‌ای وجود دارد؟

۱-۵. هدف‌های تحقیق**۱-۵-۱. هدف اصلی**

هدف اصلی این مقاله بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر قدرت نرم ج.ا.ایران است.

۱-۵-۲. هدف‌های فرعی

- (۱) تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن،
- (۲) تبیین مفهوم قدرت نرم و مؤلفه‌های آن،
- (۳) تبیین رابطه بین سرمایه اجتماعی و قدرت نرم.

۱-۶. روش‌شناسی تحقیق

روش پژوهش در این مطالعه، همبستگی و با توجه به اینکه این پژوهش به سنجش ذهن و عقاید افراد می‌پردازد، از روش پیمایش^۱ استفاده شده و گردآوری اطلاعات از طریق پرسشنامه^۲ انجام گرفته است. جامعه آماری مورد مطالعه شامل تمامی استادان دانشگاه‌های ارتش ج.ا.ایران است که بر اساس آخرین آمار رسمی جمعیت کل استادان (سازمانی، غیرسازمانی و مدعو) ۳۰۰ نفر است. برای حجم نمونه از جدول لین استفاده گردید (Lin, 1974) و حجم نمونه ۲۰۰ نفر در نظر گرفته شده است که به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند؛ به این شکل که ۲۰۰ نفر به‌عنوان نمونه اولیه انتخاب شدند و پس از حذف پرسشنامه‌های مخدوش، ۱۷۷ پرسشنامه باقی ماند. هر دانشکده به‌عنوان یک خوشه و در دانشکده، هر گروه به‌عنوان یک خوشه در نظر گرفته شد.

ابزارهای سنجش شامل ۲ پرسشنامه بود که عبارتند از:

-
1. Survey
 2. Questionnaire

(۱) پرسشنامه سرمایه اجتماعی: این پرسشنامه شامل پرسش‌هایی در مورد ابعاد اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و مشارکت اجتماعی بود. این ابعاد بر اساس نظریه‌های موجود در مورد سرمایه اجتماعی (شاخص‌های پاتنام) استخراج شده و برای شاخص‌ها پرسش‌هایی طرح شد. برای تعیین روایی و اعتبار ابزار تحقیق ابتدا پرسش‌های متعددی به وسیله ۵ نفر متشکل از استادان علوم سیاسی و اجتماعی (با مرتبه علمی حداقل استادیار) طرح و پس از بحث و بررسی، تعداد ۱۲ پرسش انتخاب گردید و پس از ویرایش لازم و به منظور اطمینان بیشتر روی یک گروه ۴۰ نفری به صورت آزمایشی اجرا شد. ضرایب پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ برای ابعاد اعتماد اجتماعی (۴ پرسش)، هنجارهای اجتماعی (۴ پرسش) و شبکه‌های اجتماعی (۴ پرسش) به ترتیب برابر ۰/۷۵، ۰/۶۸ و ۰/۷۱ و برای کل پرسشنامه (۱۲ پرسش) ۰/۷۱ به دست آمد. در مرحله مطالعه مقدماتی یافته‌ها نشان داد نیاز به حذف هیچ‌یک از گویه‌ها نیست. این مقیاس ابزاری برای سنجش میزان سرمایه اجتماعی افراد است که نمره‌گذاری هر پرسش بر روی یک پیوستار از ۱ (کاملاً موافقم) تا ۵ (کاملاً مخالفم) است.

(۲) پرسش‌نامه محقق‌ساخته قدرت نرم: برای سنجش قدرت نرم از پرسش‌نامه از نوع طیف لیکرت استفاده شد. این پرسش‌نامه با بهره‌گیری از مقیاس لیکرت توسط محقق ساخته شد که دارای ۱۶ پرسش است. برای تعیین روایی و اعتبار ابزار تحقیق ابتدا پرسش‌های متعددی به وسیله چند نفر متشکل از استادان علوم سیاسی طرح و پس از بحث و بررسی تعداد ۱۶ پرسش انتخاب گردید و پس از ویرایش لازم و به منظور اطمینان بیشتر روی یک گروه ۴۰ نفری به صورت آزمایشی اجرا شد. در این پژوهش، نیز ضرایب پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۲ درصد بوده است. مطالعات درباره اعتبار آزمون بر اساس نمونه مشابه و محاسبه ضریب همسانی درونی، نشان می‌دهد این پرسش‌نامه از روایی و پایایی بالایی سود می‌برد. این پرسش‌نامه به

چهار سطح گرایش به اسلام و تشیع، روحیه بیگانه‌ستیزی، روحیه شهادت‌طلبی و تبعیت از ولایت فقیه تقسیم گردید. این مقیاس، ابزاری برای سنجش میزان قدرت نرم افراد است که نمره‌گذاری هر پرسش بر روی یک پیوستار از ۱ (کاملاً موافقم) تا ۵ (کاملاً مخالفم) است.

۲. ادبیات و چارچوب نظری

۲-۱. سرمایه اجتماعی

سرمایه، ثروتی مولد است، مولد درآمد یا منبعی است که شخص می‌تواند برای ایجاد درآمد یا منابع اضافی دیگر به کار برد. در اقتصاد سیاسی مارکس، سرمایه به‌عنوان کار حجیم‌شده یا انباشته تعریف می‌شود که در مناسبات اجتماعی ایجاد شده و برای انباشت سرمایه به کار گرفته می‌شود (Wogget, 1993: 29). به عقیده بوردیو^۱ در هر میدانی، میان بازیگران یا گروه‌های اجتماعی، چهار نوع سرمایه ردوبدل می‌شود که عبارتند از:

(۱) سرمایه اقتصادی: ثروت و پولی است که هر بازیگر (کنشگر) اجتماعی در دست دارد و شامل درآمدها و سایر انواع منابع مالی است که در قالب مالکیت جلوئه نهادی پیدا می‌کند.

(۲) سرمایه اجتماعی: شبکه‌ای از روابط فردی و گروهی است که هر فردی در اختیار دارد و آن شامل همه منابع واقعی و بالقوه‌ای است که می‌تواند در اثر عضویت در شبکه اجتماعی کنشگران یا سازمان‌ها به دست آید.

(۳) سرمایه فرهنگی: قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد است که دربرگیرنده تمایل‌های پایدار فرد است و در خلال اجتماعی شدن در فرد انباشته می‌شوند.

(۴) سرمایه نمادین: مجموعه ابزارهای نمادین، حیثیت، احترام و قابلیت‌های فردی در رفتارها (کلام و کالبد) است که فرد در اختیار دارد. این سرمایه، جزئی از سرمایه فرهنگی است و به معنای توانایی مشروعیت دادن، تعریف کردن و ارزش‌گذارن است (Bourdieu, 1986: 247).

اصطلاح سرمایه اجتماعی نخستین بار در سال ۱۹۱۶ توسط هانی فان^۱ مطرح شد که بر جنبه کار خیر، دلسوزی متقابل و رابطه اجتماعی تأکید داشت و سپس توسط افرادی مانند جاکوب^۲، بوردیو، پاسرون^۳ و لوری^۴ مطرح شد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۷۸)؛ اما ادبیات سرمایه اجتماعی به مفهوم جدید بیشتر مدیون کلمن^۵، در دهه ۱۹۸۰، پانتام^۶ در دهه ۱۹۹۰ و فوکویاما^۷ در سال‌های پایانی دهه ۱۹۹۰ و ابتدای ۲۰۰۰ است. از دیدگاه کلمن سرمایه اجتماعی جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی است که اعضا از آن به‌عنوان منبعی برای رسیدن به منافع خود استفاده می‌کنند (Coleman, 1998: 101)؛ اما با کار پوتنام و معرفی مفهوم سرمایه اجتماعی در مطالعه دموکراسی، این مفهوم به عرصه علوم سیاسی هم وارد شد (Marsh, 2000: 184). پوتنام، سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت، منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد. از نظر وی، اعتماد و ارتباط متقابل اعضا در شبکه، به‌عنوان منابعی هستند که در کنش‌های اعضای جامعه موجود است (Putnam, 2000: 94).

دیدگاه «بوردیو» به سرمایه اجتماعی حائز اهمیت است. بوردیو سه نوع سرمایه «اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی» شناسایی نمود. شکل اقتصادی سرمایه مانند دارایی‌های

1. Hanifan
2. Jacobs
3. Passeron
4. Loury
5. Coleman
6. Putnam
7. Fukuyama

منقول و ثابت یک سازمان بلافاصله قابل تبدیل به پول است. سرمایه فرهنگی مانند تحصیلات عالی، اعضای سازمان، نوع دیگر سرمایه است که در یک سازمان وجود دارد. این نوع سرمایه نیز در برخی موارد و تحت شرایطی قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی است و سرانجام شکل دیگر سرمایه، سرمایه اجتماعی است که به ارتباطات و مشارکت اعضای یک سازمان توجه دارد و می‌تواند به عنوان ابزاری برای رسیدن به سرمایه‌های اقتصادی باشد (Winter, 2000). نگاه وی به این مفهوم، ابزاری است و بر دو جنبه «فوایدی که فرد از مشارکت در گروه به دست می‌آورد» و «برقراری ارتباطات اجتماعی عمدی برای فراهم آوردن دسترسی هر چه بیشتر به این منافع و سود فردی» تمرکز می‌کند.

به اعتقاد کلمن، سرمایه اجتماعی بخشی از ساختار اجتماعی است که به کنشگر اجازه می‌دهد تا با استفاده از آن به منافع خود دست یابد: «روابط اجتماعی هنگامی به وجود می‌آیند که افراد کوشش می‌کنند از منابع فردی خود بهترین استفاده را به عمل آورند و نباید تنها به عنوان اجزای ساختارهای اجتماعی در نظر گرفته شوند. آنها را می‌توان منابعی برای افراد نیز در نظر گرفت. من این منابع اجتماعی - ساختاری را دارایی سرمایه‌ای برای فرد، یعنی سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرم» (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۲-۴۵۸). کلمن از سرمایه اجتماعی برای تبیین تفاوت‌ها در زندگی افراد استفاده می‌کند و سرمایه اجتماعی را به وسیله کارکردش تعریف نموده و به باور وی هنگامی ایجاد می‌شود که روابط میان اشخاص به شیوه‌ای تغییر یابد که کنش را آسان سازد. او بر سودمندی سرمایه اجتماعی تأکید می‌ورزد و آن را منبعی برای همکاری روابط دوجانبه و توسعه اجتماعی می‌داند.

پوتنام با کنار نهادن نگاه فردمحور کلمن و بوردیو، مفهوم سرمایه اجتماعی را در سطح ملی مطرح نمود و پایه تحلیل خود را بر فرهنگ و آن هم فرهنگ مشارکت مدنی استوار کرد. او با تأکید روی هنجارهای مشارکت مدنی معتقد است که این منابع

(شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد) در جوامع مدنی، خصلتی خودتقویت‌کننده دارند و باعث ارتقای همکاری، مشارکت مدنی، اعتماد متقابل و رفاه اجتماعی می‌گردند و در جوامع غیرمدنی به دلیل نداشتن توان خودتقویتی باعث تقویت عهدشکنی، بی‌اعتمادی، بهره‌کشی، انزوا و رکود می‌گردند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۳۰۰). پوتنام با به‌کارگیری مفهوم سرمایه اجتماعی، کانون تحلیل خود را بر فرهنگ و عناصر اعتماد، مشارکت و همیاری قرار داد و بر این باور است که میان سطح اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت مردم در امور اجتماعی و وجود ثبات و نرخ بالای رشد اقتصادی، همبستگی مثبتی وجود دارد.

از دیدگاه پوتنام، سرمایه اجتماعی وضعیتی را فراهم می‌آورد که جوامع به سمت توسعه و ترقی پیش می‌روند؛ هنگامی که مردم در کنش‌های متقابل به یکدیگر اعتماد دارند و خود نیز قابل اعتمادند، ضمن آنکه پیوندها و علقه‌های میان آنها محکم‌تر می‌شود. سرمایه اجتماعی به واسطه ارتباطش با سایر پدیده‌های بنیادین جامعه مانند نظم اجتماعی، وفاق اجتماعی، رضایت اجتماعی، تعهد و پیوند اجتماعی، انسجام اجتماعی، روابط و تعامل‌های اجتماعی، امنیت و احساس امنیت اجتماعی و مشارکت اجتماعی، از اهمیتی ویژه برای مطالعه و تبیین برخوردار است (ربیعی، ۱۳۸۳: ۶۴).

فوکویاما بر وجود هنجارها و ارزش‌های غیررسمی در یک گروه تأکید می‌کند. تعریف او از سرمایه اجتماعی چنین است: «سرمایه اجتماعی را به‌سادگی می‌توان به‌عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاونی میان آنها مجاز است، در آن سهیم هستند. مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به‌خودی‌خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌گردد؛ زیرا که این ارزش‌ها ممکن است ارزش‌های منفی باشد» (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۱-۱۰).

به اعتقاد فوکویاما، سرمایه اجتماعی نیز از عناصر اصلی قدرت است. منظور او از سرمایه اجتماعی، نوعی قرارداد غیررسمی است که افراد جامعه را ملزم می‌سازد تا برای تحقق هدف‌های کلان جامعه خویش با یکدیگر همکاری کنند و موانع را از میان

بردارند. سرمایه اجتماعی دارای چند شاخص اساسی است. آن شاخص‌ها «آگاهی، اعتماد و مشارکت» دارند؛ بنابراین جامعه‌ای را می‌توان دارای سرمایه اجتماعی دانست که مردم آن آگاهی متقابل بالایی دارند، به یکدیگر اعتماد دارند و آمادگی بالایی برای مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی کشور خویش دارند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۹۰).

۲-۲. قدرت نرم^۱

«قدرت»، هسته و مرکز ثقل سیاست را به وجود می‌آورد و همه کشاکش‌ها در زندگی سیاسی به قدرت مربوط می‌شود (عالم، ۱۳۸۲: ۲۹). پژوهشگران سیاسی، بسته به ایدئولوژی و جهان‌بینی خود، تعریف‌های گوناگونی از قدرت به دست داده‌اند: از دیدگاه تافلر^۲ قدرت در عریان‌ترین شکل خود، استفاده از خشونت، ثروت و دانایی برای واداشتن مردم به انجام امری خاص است (تافلر، ۱۳۷۵: ۲۷). از دیدگاه وبر^۳ قدرت عبارت است از فرصتی که در چارچوب رابطه اجتماعی وجود دارد و به فرد امکان می‌دهد تا قطع نظر از مبنایی که فرصت یادشده بر آن استوار است، اراده‌اش را حتی با وجود مقاومت دیگران بر آنها تحمیل کند (وبر، ۱۳۶۷: ۱۳۹). قدرت را به معنای پدیدآوردن آثار مطلوب نیز تعریف کرده‌اند (راسل، ۱۳۶۷: ۵۵).

از نظر کارشناسان، قدرت را می‌توان از نظر نوع ابزار به کار گرفته شده، ماهیت و شاخص‌هایش، به دو نوع سخت و نرم تقسیم‌بندی کرد؛ برای مثال، تیلور^۴ و فلینت^۵ قدرت را «توانایی کسب پیروزی در یک منازعه چه به صورت کاربرد آشکار زور یا تهدید به زور، چه به صورت نهانی و از طریق عدم تصمیم‌گیری یا مزیت‌های ساختاری تعریف کرده‌اند (Taylor & Flint, 2000: 374)؛ به عبارت دیگر، قدرت سخت متوجه ایجاد

1. Soft Power
2. Toffler
3. Weber
4. Taylor
5. Flint

تبعیت از راه اعمال خشونت است که در آن تبعیت، ناشی از جباریت است؛ اما در مقابل، قدرت نرم مبتنی بر ایجاد تبعیت از راه نمایش حقانیت ناشی از جذابیت است (شهرام‌نیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۴-۷۳). حمید مولانا برای اولین بار در کتاب «اطلاعات و ارتباطات جهانی: مرزهای نو در روابط بین‌الملل» در سال ۱۹۸۶ میلادی به تعریف و تبیین واژه قدرت نرم پرداخت. وی نیز قدرت را به دو بخش تقسیم کرد: قدرت ناملموس «نرم» که منابع آن دین، ارزش‌ها، باورها، ایدئولوژی و دانش هستند و قدرت سخت یا ملموس که در مواردی مانند منابع طبیعی، جمعیت، ثروت و ابزار نظامی و جنگی و غیره ریشه دارد. به اعتقاد مولانا، قدرت نرم، زیربنای قدرت سخت بوده و ماهیت آن را مشخص می‌نماید. بر این اساس، مفهوم قدرت از دیدگاه مولانا، برحسب ارزش‌های خاص و مبادلات میان بخش‌های جامعه تعریف می‌شود. مفهوم قدرت از دو بُعد: «دستیابی به منابع لازم جهت عمل» و «توان و میل به انجام عمل» تشکیل می‌شود. اصل اعتقاد و نظام‌های ارزشی، ماهیت اقدام و عوامل آن را در هر نظام مشخص می‌کند. در این دیدگاه، قدرت نرم، اساس و زیربناست و قدرت سخت، به‌عنوان ابزار، در خدمت اجرای قدرت نرم است (بولوردی، ۱۳۸۹).

«جوزف نای» در سال ۱۹۹۰ میلادی در مجله سیاست خارجی آمریکا، مقاله‌ای را در مورد قدرت نرم منتشر می‌نماید که برگرفته از کتاب اطلاعات و ارتباطات جهانی پروفیسور مولاناست، ولی نای اشاره‌ای به منابع مورد استفاده خود نمی‌نماید، هرچند در کتابی که چند سال بعد، در مورد قدرت جدید آمریکا منتشر می‌کند، به کتاب پروفیسور مولانا اشاره می‌نماید. نای، قدرت نرم را توانایی شکل‌دهی افکار عمومی یک جامعه در راستای خواسته‌های خود می‌داند (متقی و رشاد، ۱۳۸۹: ۱۰۶). قدرت نرم همچنین شامل توانایی جذب کردن نیز می‌شود و جذب، بیشتر باعث مشارکت توأم با رضایت می‌گردد (نای، ۱۳۸۹: ۴۴). از نظر نای اگر قدرت، کلیدی‌ترین مؤلفه تعیین‌کننده روابط و جایگاه کشورها در عرصه روابط بین‌الملل تعریف شود، قدرت نرم، توانایی تعیین

اولویت‌هاست؛ به گونه‌ای که با دارایی‌های ناملموس مانند داشتن جذابیت‌های فرهنگی، شخصیتی و ارزش‌های سیاسی و نهادی، مرتبط و همسو باشد یا اینکه سیاست‌های قابل قبول با اعتبار معنوی را پدید آورد (نای، ۱۳۸۷: ۷۹).

بر این اساس، جنگ نرم، راهبرد جدیدی است که در آن از طریق ابزار و لوازم خاص خود، دولت‌ها در مورد تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی، فرهنگ و ارزش‌های جامعه برای رسیدن به هدف‌های مشخص برمی‌آیند (باقری دولت‌آباد و رضایان جویباری، ۱۳۹۰: ۷۸). به‌طورکلی آنچه از محتوای سخنان اندیشمندان در توضیح این واژه برمی‌آید این است که قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائهٔ چهرهٔ موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی، تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بر دیگران، ارادهٔ دیگران را تابع خویش ساختن و مؤلفه‌هایی از این سنخ است (رفیع و قربی، ۱۳۸۹: ۱۲۱). ویژگی‌های قدرت نرم را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد: قدرت نرم یک قدرت غیرقابل لمس و غیرمحسوس است؛ با انقلاب اطلاعات و ارتباطات به ابزاری پُر نفوذ و پویا تبدیل شده است؛ توانایی زیادی برای رقابت و گسترش دارد؛ یک موجودیت ایستا نداشته، بلکه فرایندی پویاست؛ قدرت نرم برخلاف قدرت سخت که مبتنی بر عینیت‌هاست، بر نوعی ذهنیت استوار است؛ هدف قدرت نرم تصرف قلب‌ها و مغزهاست؛ قدرت نرم از جنس اقناع است؛ یعنی دیگران را به تبعیت از هنجارها و نهادهای موردنظر یا موافقت با آنها قانع می‌کند (بیگدلو، ۱۳۹۱: ۱۳۰).

برای قدرت نرم، شاخص‌ها و مؤلفه‌های مختلفی قائل شده‌اند که می‌توان مهم‌ترین شاخص‌های قدرت نرم در چارچوب هدف‌های راهبردی را به شرح زیر تقسیم‌بندی کرد:

(۱) همراه‌سازی نهادهای بین‌المللی با عملکردهای تهاجمی،

(۲) منفعت‌طلبی،

(۳) نفی قواعد سلطه،

(۴) سرمایه اجتماعی.

شاخص‌های قدرت نرم با توجه به ویژگی‌های ارائه‌شده برای دستیابی به هدف‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت توسط کشورها می‌تواند جنبه کاربردی پیدا کند (شهرام‌نیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۸-۷۷).

جوزف نای در کتاب خود، منابع قدرت نرم را «ارزش‌های فرهنگی بازیگر یا بازیگران»؛ «فرهنگ»؛ «دیپلماسی عمومی»؛ «خط‌مشی‌های سیاستمداران و نهادها» و «سیاست خارجی» می‌داند (Nye, 2004: 9-11).

تأکید نظریه‌پردازان قدرت نرم، بر خاستگاه اجتماعی قدرت و اینکه مشروعیت، اعتبار، اعتماد و مشارکت، مولد قدرت هستند و قدرت نظامی در صورتی تأثیرگذار خواهد بود که از پشتوانه و سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار باشد؛ همگی حکایت از آن دارد که قدرت نرم، طرح اجتماعی‌کردن قدرت را در سطح و اندازه‌ای متمایز از مکاتب پیشین مطرح ساخته و از این نظر، ارزشی منحصر به فرد دارد. مطالعات موردی که با این رویکرد انجام شده، بیانگر آن است که رهیافت نوین، بیش از آنکه ماهیتی نظامی و سخت‌افزارانه داشته باشد، اجتماعی بوده و در شبکه روابط اجتماعی معنا و مفهوم می‌یابد (قربانی شیخ‌نشین و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶).

با توجه به ماهیت و ویژگی‌های بیان‌شده، منابع قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران را نیز متناسب با آن باید در فرهنگ و اجتماع و حوزه‌های رفتاری جست‌وجو کرد، از این رو با تحلیل استنادی فرمایش‌های امام (ره) و مقام معظم رهبری برخی منابع قدرت نرم در ج.ا.ایران که مدنظر هر دو بزرگوار بوده است به‌طور خلاصه «دین اسلام و آموزه‌های مکتب تشیع، فرهنگ ایثار و شهادت‌طلبی، فرهنگ دشمن‌ستیزی و تبعیت از مقام معظم رهبری و ولایت‌فقیه^۱» هستند (بیگدلو، ۱۳۹۱: ۱۳۲).

۱. برای توضیح مفصل این مؤلفه‌ها به مقاله‌های آقای بیگدلو مراجعه شود.

۳. رابطه قدرت نرم و سرمایه اجتماعی

با توجه به اینکه نظرات موجود، هر یک به تنهایی قادر به بررسی و تحلیل جامع پدیده مورد بررسی در پژوهش حاضر نیستند؛ بنابراین به صورت تلفیقی از آرا و نظرات مطرح شده برای بررسی جامع تر پدیده مورد بحث، به عنوان چارچوب نظری تحقیق استفاده شده است. در مورد متغیر مستقل یعنی سرمایه اجتماعی از نظرات پوتنام و فوکویاما استفاده شده که در نظرات آنها بر شاخص‌هایی مانند آگاهی سیاسی، اعتماد، مشارکت، انسجام، هنجارها و شبکه‌ها تأکید شده است.

از آنجاکه مؤلفه‌های بومی و منحصر به فردی در جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که نماد قدرت نرم است، بیشتر از نظرات اندیشمندان داخلی در زمینه شاخص‌های حاکم بودن روحیه شهادت‌طلبی و فرهنگ عاشورایی، تبعیت از ولایت فقیه و روحیه دشمن‌ستیزی بهره گرفته شده است (بیگدلو و مرادیان، ۱۳۹۱: ۱۰۴).

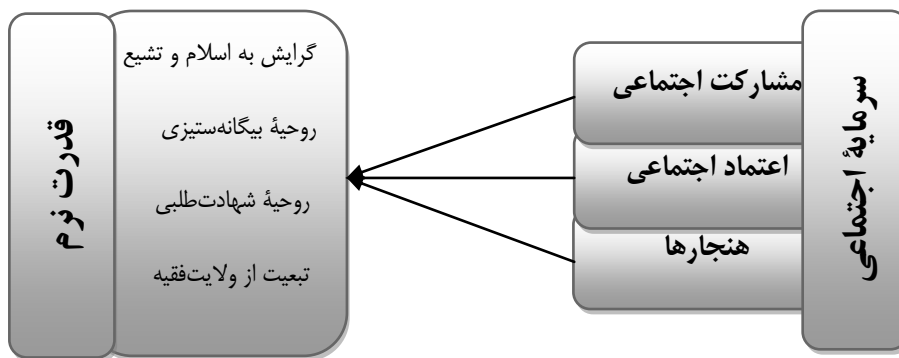
بررسی‌های گذشته نیز نشان‌دهنده تأثیر عوامل دیگری بر موضوع پژوهش است؛ بنابراین بر اساس نظراتی که بیان شد شاخص‌های پژوهش، تعریف و چگونگی اندازه‌گیری آنها تعیین می‌شود. نمودارهای شماره ۱ و ۲ روابط بین متغیرهای این پژوهش را در قالب الگوی مفهومی و تجربی پژوهش نشان می‌دهد. در مورد تمایز و ارتباط میان قدرت نرم و سرمایه اجتماعی می‌توان گفت قدرت نرم به مثابه یک نظریه از درون جامعه می‌جوشد؛ بنابراین از انطباق بالایی با سرمایه اجتماعی برخوردار است؛ این انطباق، ماهوی بوده و از به واسطه حضور هنجارهای درون جامعه به دست آمده است. به همین دلیل است که تحلیلگران قدرت، آن را گونه‌ای متفاوت از برداشت‌های سنتی ارزیابی کرده و با وصف اجتماعی شده از آن یاد می‌کنند. می‌توان گفت که نسبت سرمایه اجتماعی با قدرت، دوسویه است؛ به این معنا که می‌توان از رهگذر تقویت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به افزایش قدرت نرم و همچنین افزایش میزان قدرت ملی امیدوار بود و برعکس، با افزایش قدرت ملی، میزان سرمایه اجتماعی نیز ارتقا یابد. این

تعامل در نهایت می‌تواند به شکوفایی جامعه در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی منجر شود (قربانی شیخ‌نشین و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷).

نمودار شماره ۱. الگوی مفهومی تحقیق



نمودار شماره ۲. الگوی تجربی تحقیق



۳. یافته‌های پژوهش

نتایج به دست آمده از پژوهش در دو بخش توصیفی و استنباطی ارائه می‌شود. ابتدا یافته‌های توصیفی بیان می‌شود.

جدول شماره ۱. میانگین و انحراف استاندارد نمرات شرکت‌کنندگان در هر یک از ابعاد سرمایه اجتماعی و قدرت نرم

ابعاد اجتماعی	میانگین	انحراف استاندارد	اعتدال اجتماعی	هنجارهای اجتماعی	مشارکت اجتماعی	گرایش به اسلام و تشیع	روحیه بیگانه‌ستیزی	روحیه شهادت‌طلبی	تبعیت از ولایت فقیه
۱۲/۹۶۱۰	۱۶/۲۰۷۸	۱۲/۲۵۹۷	۱۵/۷۲۷۳	۱۵/۰۳۹۰	۱۶/۰۰۰۰	۱۵/۰۹۰۹			
۳/۰۵۸۳۹	۲/۲۷۳۰۶	۳/۴۶۹۴۳	۴/۸۴۹۴۱	۳/۴۵۸۱۸	۲/۶۲۰۷۷	۵/۰۰۳۱۱			

جدول شماره ۱ میانگین و انحراف استاندارد نمرات شرکت‌کنندگان را در هر یک از ابعاد سرمایه اجتماعی و قدرت نرم نشان می‌دهد. میانگین اعتماد اجتماعی و هنجارهای اجتماعی به ترتیب ۱۲/۹۶ و ۱۶/۲۰ به دست آمده است و میزان هنجارهای اجتماعی تا حدودی بالاتر از میزان اعتماد اجتماعی است. میانگین مشارکت اجتماعی ۱۲/۲۵ به دست آمده است که بر این اساس، میزان هنجارهای اجتماعی در میان استادان بیشتر از دیگر ابعاد سرمایه اجتماعی است. در پرسش‌نامه قدرت نرم، میانگین بُعد گرایش به اسلام و تشیع ۱۵/۷۲ و میانگین بُعد روحیه بیگانه‌ستیزی ۱۵/۰۳، میانگین بُعد روحیه شهادت‌طلبی ۱۶ و میانگین بُعد تبعیت از ولایت فقیه ۱۵/۰۹ است که بر این اساس میانگین بُعد روحیه شهادت‌طلبی بالاتر از دیگر ابعاد قدرت نرم می‌باشد.

نتایج حاصل از جدول شماره ۲ همچنین نشان می‌دهد بین ابعاد سرمایه اجتماعی و میزان قدرت نرم رابطه معنی‌داری وجود دارد. ضریب همبستگی به‌دست‌آمده برای متغیر اعتماد اجتماعی برابر ۰/۲۱ با سطح معنی‌داری $P=0/004$ ، بیانگر رابطه معنادار بین دو متغیر یادشده است. بین مشارکت اجتماعی و میزان قدرت نرم نیز رابطه معنی‌داری وجود دارد. ضریب همبستگی به‌دست‌آمده برای این متغیر برابر ۰/۵۳ با سطح معنی‌داری $P=0/000$ ، بیانگر رابطه معنادار بین دو متغیر یادشده است، همچنین بین هنجارها و میزان قدرت نرم رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۲. ضریب همبستگی پیرسون بین ابعاد سرمایه اجتماعی و قدرت نرم

نام متغیر	انحراف معیار	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
اعتماد اجتماعی	۶/۱۳	۰/۲۱	۰/۰۰۴
مشارکت اجتماعی	۴/۹۰	۰/۵۳	۰/۰۰۰
هنجارها	۳/۶۱	۰/۲۷	۰/۰۰۱

جدول شماره ۳. همبستگی ابعاد سرمایه اجتماعی با ابعاد قدرت نرم

متغیر	گرایش به اسلام و تشیع	روحیه بیگانه ستیزی	روحیه شهادت طلبی	تبعیت از ولایت فقیه
اعتماد اجتماعی	۰/۲۵۵*	۰/۳۷۱**	۰/۳۷۳**	۰/۲۷۵*
هنجارهای اجتماعی	۰/۲۸۳*	۰/۵۰۶**	۰/۴۷۳**	۰/۱۵۱
مشارکت اجتماعی	۰/۴۰۷**	۰/۵۳۷**	۰/۵۸۰**	۰/۶۳۴**

** $p < 0/01$ * $p < 0/05$

جدول شماره ۳ همبستگی ساده (پیرسون) هر یک از ابعاد سرمایه اجتماعی را با قدرت نرم نشان می دهد. همان گونه که مشاهده می شود بیشتر همبستگی ها به جز رابطه هنجارهای اجتماعی با تبعیت از ولایت فقیه در سطح ($p < 0/05$ و $p < 0/01$) معنی دار است. بالاترین میزان همبستگی مربوط به رابطه مشارکت اجتماعی با تبعیت از ولایت فقیه و کمترین میزان مربوط به رابطه هنجارهای اجتماعی با تبعیت از ولایت فقیه است.

برای بررسی رابطه چندگانه سرمایه اجتماعی با هر یک از ابعاد قدرت نرم از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. جدول شماره ۴ نتایج الگوی رگرسیونی را به ازای رابطه سرمایه اجتماعی و ابعاد آن شامل اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و مشارکت اجتماعی با هر یک از ابعاد قدرت نرم نشان می دهد.

جدول شماره ۴. نتایج الگوی رگرسیون به ازای رابطه سرمایه اجتماعی با قدرت نرم

متغیر مستقل	متغیر وابسته	R	R2	R2 تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد	F	سطح معنی داری
اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و مشارکت اجتماعی	گرایش به اسلام و تشیع	۰/۴۲۹	۰/۱۸۴	۰/۱۵۰	۴/۴۷۰۶۶	۵/۴۷۴	۰/۰۰۲
	روحیه بیگانه‌ستیزی	۰/۶۲۴	۰/۳۹۰	۰/۳۶۵	۲/۷۵۶۱۷	۱۵/۵۴۹	۰/۰۰۰
	روحیه شهادت‌طلبی	۰/۶۳۷	۰/۴۰۶	۰/۳۸۲	۲/۰۶۰۶۳	۱۶/۶۴۴	۰/۰۰۰
	تبعیت از ولایت‌فقیه	۰/۶۴۴	۰/۴۱۴	۰/۳۹۰	۳/۹۰۶۷۸	۱۷/۲۱۳	۰/۰۰۰

همان‌گونه که جدول شماره ۴ نشان می‌دهد ابعاد سرمایه اجتماعی پیش‌بینی شده خوبی برای مؤلفه‌های قدرت نرم هستند. مقدار همبستگی چندگانه (R) اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، مشارکت اجتماعی با گرایش به اسلام و تشیع ۰/۴۲ است و ضریب تعیین ۱۸٪ نشان‌دهنده مقدار قابل تبیین واریانس‌های گرایش به اسلام و تشیع از روی اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، مشارکت اجتماعی است. مقدار همبستگی چندگانه (R) اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، مشارکت اجتماعی با روحیه بیگانه‌ستیزی ۰/۶۲ است و ضریب تعیین ۳۹٪ نشان‌دهنده مقدار قابل تبیین واریانس‌های روحیه بیگانه‌ستیزی از روی اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، مشارکت اجتماعی است. مقدار همبستگی چندگانه (R) اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، مشارکت اجتماعی با روحیه شهادت‌طلبی ۰/۶۳ است و ضریب تعیین ۴۰ درصد نشان‌دهنده مقدار قابل تبیین واریانس‌های روحیه شهادت‌طلبی از روی اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، مشارکت اجتماعی است. مقدار همبستگی چندگانه (R) اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، مشارکت اجتماعی با تبعیت از ولایت‌فقیه ۰/۶۴ است و ضریب تعیین ۴۱ نشان می‌دهد ۴۱ درصد واریانس‌های تبعیت از ولایت‌فقیه از روی اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، مشارکت اجتماعی قابل تبیین است. سطح

معنی داری به دست آمده برای مقادیر F نشان می‌دهد تمام ضرایب در سطح $p < 0/01$ معنی دار است.

جدول شماره ۵ ضرایب رگرسیون غیراستاندارد (B) و استاندارد (b) به ازای رگرسیون هر بُعد از سرمایه اجتماعی بر ابعاد قدرت نرم

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضرایب غیراستاندارد		سطح معنی داری
		B	خطای استاندارد	
گرایش به اسلام و تشیع	اعتماد اجتماعی	۰/۰۵۱	۰/۲۰۲	۰/۸۰۲
	هنجارهای اجتماعی	۰/۲۸۶	۰/۲۵۹	۰/۲۷۴
	مشارکت اجتماعی	۰/۴۷۲	۰/۱۷۴	۰/۰۰۸
روحیه بیگانه‌ستیزی	اعتماد اجتماعی	۰/۰۴۰	۰/۱۲۴	۰/۷۴۷
	هنجارهای اجتماعی	۰/۵۱۲	۰/۱۶۰	۰/۰۰۲
	مشارکت اجتماعی	۰/۳۸۳	۰/۱۰۷	۰/۰۰۱
روحیه شهادت‌طلبی	اعتماد اجتماعی	۰/۰۲۵	۰/۰۹۳	۰/۷۸۶
	هنجارهای اجتماعی	۰/۳۲۰	۰/۱۱۹	۰/۰۰۹
	مشارکت اجتماعی	۰/۳۴۴	۰/۰۸۰	۰/۰۰۰
تبعیت از ولایت‌فقیه	اعتماد اجتماعی	۰/۰۰۳	۰/۱۷۶	۰/۹۸۷
	هنجارهای اجتماعی	۰/۹۸۵	۰/۱۵۲	۰/۰۰۰
	مشارکت اجتماعی	۰/۲۶۸	۰/۲۲۶	۰/۲۴۱

جدول شماره ۵ ضرایب رگرسیون غیراستاندارد (B) و استاندارد (b) را به ازای رگرسیون هر یک ابعاد از ابعاد سرمایه اجتماعی بر ابعاد قدرت نرم نشان می‌دهد. همان‌گونه که ضرایب رگرسیون استاندارد نشان می‌دهند در بُعد گرایش به اسلام و تشیع، فقط مشارکت اجتماعی وزن رگرسیون معنی داری دارد و پیش‌بینی‌کننده مهم‌تری است و از وزن b بالاتری برخوردار است. در سایر موارد رابطه اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی با گرایش به اسلام و تشیع معنی دار نیست. در بُعد روحیه بیگانه‌ستیزی، مشارکت اجتماعی و هنجارهای اجتماعی وزن رگرسیون معنی داری دارد و پیش‌بینی‌کننده مهم‌تری است؛ اما رابطه اعتماد اجتماعی با روحیه بیگانه‌ستیزی معنی دار نیست. در بُعد روحیه شهادت‌طلبی، نیز مشارکت اجتماعی و هنجارهای

اجتماعی وزن رگرسیون معنی داری دارد و پیش‌بینی‌کننده مهم‌تری است؛ اما رابطه اعتماد اجتماعی با روحیه شهادت‌طلبی معنی دار نیست. در بُعد تبعیت از ولایت فقیه نیز هنجارهای اجتماعی وزن رگرسیون معنی داری دارد و پیش‌بینی‌کننده مهم‌تری است؛ اما رابطه اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی با تبعیت از ولایت فقیه معنی دار نیست. همان‌گونه که مشاهده می‌شود تمام ضرایب رگرسیون مثبت است و نشان می‌دهد بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با ابعاد قدرت نرم ارتباط مثبت وجود دارد.

۴. نتیجه‌گیری

۴-۱. جمع‌بندی

گذار مفهومی قدرت از حوزه سخت‌افزاری به حوزه نرم‌افزاری امروزه مورد توجه کارگزاران سیاسی کشورها واقع شده است. حصول به جنبه نرم‌افزاری قدرت شرایط خاص خود را می‌طلبد که سرمایه اجتماعی از لوازم اصلی جهت تحقق هدف یادشده است. امروزه موفقیت هر نظام سیاسی برای تأمین منافع ملی نیازمند بهره‌گیری از ابزارهای نامحسوس و اقناعی قدرت است. بر این اساس پژوهش حاضر، با بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و قدرت نرم تلاش نمود، افق جدیدی فراروی محققان این عرصه ترسیم کند.

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بین ابعاد سرمایه اجتماعی با میزان قدرت نرم رابطه معنی داری وجود دارد به این شکل که ضریب همبستگی پیرسون بین اعتماد اجتماعی و میزان قدرت نرم (۰/۲۱)، هنجارهای اجتماعی و میزان قدرت نرم (۰/۲۷) و مشارکت اجتماعی با میزان قدرت نرم (۰/۵۳) بوده است. این نتایج بیانگر تأیید هر سه فرضیه مطرح در این پژوهش بوده است. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نیز بیانگر آن بود که تمام ضرایب رگرسیون مثبت است و بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با ابعاد قدرت نرم ارتباط مثبت وجود دارد.

نتایج این تحقیق از سویی یافته‌های تحقیقات پیشین در این زمینه را مورد تأیید قرار می‌دهد؛ برای مثال قربانی شیخ نشین و همکاران (۱۳۹۰)، ماه‌پیشانیان (۱۳۹۰)، احمدی (۱۳۸۵) و جانگ تیان ونگ^۱ (۲۰۰۲) به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی بر قدرت نرم تأثیرگذار است.

اگر در درون گروه‌های اجتماعی، هنجارهای مؤثر و نیرومندی وجود داشته باشد که مطابق با آن فرد منابع شخصی را رها کرده و به سوی جمع عمل کند، سرمایه اجتماعی شکل خواهد گرفت. سرمایه اجتماعی در پی آن است که افراد جامعه را به همکاری و اعتمادپذیری بیشتری در برخورد هایشان تشویق کند و آنها را از شرایط انفرادی بیرون آورد تا بتواند ظرفیت سازمان‌دهی جمعی داوطلبانه برای حل مشکلات متقابل یا مسائل عمومی را افزایش دهد. با استفاده مناسب از سرمایه اجتماعی، زمینه برای تولید و تقویت آن فراهم می‌شود و عدم استفاده از آن موجب تقلیل و نابودی آن می‌شود. در کل می‌توان سرمایه اجتماعی را منابع موجود در تعاملات اجتماعی و نظام هدفمند همکاری و همیاری میان اعضای جامعه دانست که باعث ایجاد شبکه‌های روابط معقولانه، حس اعتماد و مشارکت بین افراد یک جامعه می‌گردد و در نهایت، به جامعه در دسترسی به هدف مشترک و حفظ انسجام کمک می‌کند.

پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۵۷ و به دنبال آن موفقیت در هشت سال جنگ تحمیلی و گذر موفقیت‌آمیز در حوادث پس از انتخابات ۱۳۸۸، همگی جلوه‌های باشکوهی از این هدف مشترک، حفظ انسجام و یا قدرت نرم بر پایه سرمایه اجتماعی و رهبری فرهنگدانه حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری را به رخ جهانیان کشاند؛ بنابراین به فراخور این موفقیت‌ها و کامیابی‌ها و استمرار آن در نظام جمهوری اسلامی ایران، توجه به تقویت سرمایه اجتماعی که به دنبال خود منتهی به تقویت قدرت نرم خواهد داشت، امری ضروری به نظر می‌رسد.

در پایان گفتنی است از آنجاکه هدف نهایی جنگ نرم دشمنان، نابودی اسلام ناب و تفکر انقلاب اسلامی از طریق جهانی سازی و فراگیر شدن سلطه فرهنگی و فکری نظام استکباری بر جهان و در نهایت، براندازی نظام جمهوری اسلام است، دشمنان می‌خواهند با ایجاد تغییر و دگرگونی در ساختارهای سیاسی جامعه ایران اسلامی، ساختارهای جدیدی را جایگزین کنند؛ از این رو به تغییر روی می‌آورند. آنان می‌کوشند با ایجاد تغییر در باورها، افکار و رفتارهای جامعه، از ساختار سیاسی، سلب مشروعیت، و از مسئولان سلب مقبولیت کنند و در نتیجه، حمایت مردم را از ساختار سیاسی، به چالش با نظام تبدیل کنند؛ از این رو باید گفت مشروعیت‌زدایی و مقبولیت‌زدایی از هدف‌های ویژه و اصلی جنگ نرم به‌شمار می‌آید و هرگاه یک نظام سیاسی، مشروعیت و مقبولیت خود را بین مردمش از دست بدهد، بستر لازم برای تغییر آن ساختار و نظام سیاسی و جایگزین شدن یک نظام و ساختار جدید فراهم می‌شود.

دشمنان انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی، در دهه اول انقلاب، تمامی قدرت سخت‌افزاری خود را برای شکست انقلاب و ساقط کردن جمهوری اسلامی به صحنه آوردند و به شکل‌های گوناگون از قبیل راه‌اندازی غائله‌های تجزیه طلبی در مناطق قومیتی، راه‌اندازی تروریسم داخلی، طراحی کودتای نظامی و تجاوز نظامی در قالب جنگ تحمیلی، تلاش کردند به هدف‌های خود برسند. ناکامی دشمنان در همه این اقدام‌ها، سبب شد آنان به این جمع‌بندی برسند که تا وقتی مردم ایران بر اساس باورها و اعتقادهای دینی و اسلامی خود عمل کنند، مدافع نظام اسلامی و ولایت فقیه خواهند بود و هیچ قدرتی قادر به شکست جمهوری اسلامی و نظام ولایت فقیه نخواهد بود. بر اساس این جمع‌بندی بود که دشمنان از دهه دوم انقلاب باهدف ایجاد تغییر در باورها و اعتقادهای مردم ایران و تصرف قلب‌ها و مغزهای آنان، تهاجم فرهنگی خود را آغاز کردند و اکنون تهدیدهای نرم آنان علیه ملت ایران، وارد مرحله جنگ نرم شده است. آنان بر این تصورند که با ایجاد تغییر در موارد پیش گفته

می‌توانند در نهایت، جمهوری اسلامی را ساقط و یک نظام غیردینی جایگزین آن کنند. مهم‌ترین دلیل دشمنی نظام سلطه با تفکر انقلاب اسلامی و حکومت جمهوری اسلامی برآمده از آن در ایران، استکبارستیزی و مخالفت انقلاب با سیطره‌جویی و خوی تمامیت‌خواهی غرب و ترسیم سبک جدید زندگی بر اساس دستورهای اسلام است.

۲-۴. پیشنهادها

بر اساس یافته‌های تجربی این پژوهش می‌توان راهبردها و راهکارهای زیر را پیشنهاد کرد:

- (۱) تسهیل ارتباطات اجتماعی میان افراد جهت تقویت سرمایه اجتماعی،
- (۲) شناسایی ابزارها، توانایی‌ها و تمایل‌های استادان دانشگاه در حوزه قدرت نرم،
- (۳) انجام طرح‌های پژوهشی متعدد درباره نقش سرمایه اجتماعی در میزان قدرت نرم،
- (۴) شناسایی منابع قدرت نرم در ایران اسلامی و بهره‌برداری از آنها،
- (۵) همسان کردن ظرفیت‌های سازمان‌های امنیتی کشور با ماهیت تهدیدهای نرم.

فهرست منابع

۱. منابع فارسی

۱. ابوالفتحی، محمد و مختار نوری (۱۳۹۲)، «تأثیر سرمایه اجتماعی بر افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۶.
۲. احمدی، یعقوب (۱۳۸۵)، «سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دموکراسی»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۲۵ و ۲۲۶.
۳. ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳)، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران، نشر نی.
۴. امیرخانی، طیبه (۱۳۸۸)، «سرمایه اجتماعی، مفاهیم و کاربردها»، نشریه منابع انسانی، شماره ۵.
۵. ایزدی، حجت‌الله (۱۳۸۷)، «مبانی قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۴۰.
۶. باقری دولت‌آباد، علی و مجید رضاییان جویباری (۱۳۹۰)، «بررسی نقش پیامک در جنگ نرم؛ با تأکید بر ایران»، فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۵۲.
۷. بولوردی، مجید (۱۳۸۹)، «کالبدشکافی قدرت نرم»، قابل دسترس در:
<http://www.psyop.ir/?p=4393>
۸. بیگدلو، مهدی (۱۳۹۱)، «نقش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با جنگ نرم با تأکید بر دانشکده‌های علوم سیاسی، علوم اجتماعی و مدیریت دانشگاه تهران»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۱.
۹. بیگدلو، مهدی و محسن مرادیان (۱۳۹۱)، «ارتباط مشارکت سیاسی مردم و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی مشارکت در انتخابات)»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۳.
۱۰. پاتنام، رابرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
۱۱. تافلر، آلون (۱۳۷۵)، جابه‌جایی در قدرت، ترجمه شهین دخت خوارزمی، تهران، سیمرغ.
۱۲. جهان‌بین، فرزاد و اعظم امامی (۱۳۹۳)، «سرمایه اجتماعی؛ حلقه ارتباطی قدرت نرم، امنیت نرم، تهدید نرم»، دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم، شماره ۱۰.
۱۳. راسل، برتراند (۱۳۶۷)، قدرت، ترجمه نجف دریابندری، تهران، انتشارات خوارزمی.
۱۴. ربیعی، کامران (۱۳۸۳)، «بازی یک نفره»، ماهنامه کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۸۹، سال هشتم.
۱۵. رفیع، حسین و محمدجواد قربی (۱۳۸۹)، «کالبدشکافی قدرت نرم و ابزارهای کاربرد آن»، فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۴۷.

۱۶. شهرام نیا، سیدامیرمسعود، علی ابراهیمی و میثم بلباسی (۱۳۹۱)، «واکاوی مفهومی قدرت نرم و راهکار (فرصت) های ایران در قبال آن»، *مجله دانش سیاسی و بین الملل*، سال اول، شماره سوم.
۱۷. عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۲)، *بنیادهای علم سیاست*، تهران، نشر نی.
۱۸. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، *پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن*، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، انتشارات جامعه ایرانیان.
۱۹. قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۸۲)، *جهانی شدن و جهان سوم*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
۲۰. کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
۲۱. ماه پیشانیان، مهسا (۱۳۹۰)، افزایش سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران: راهکاری برای مقابله با تهدیدات نرم آمریکا، قابل دسترسی در: *پایگاه جامع و تخصصی جنگ نرم*.
۲۲. متقی، ابراهیم و افسانه رشاد (۱۳۸۹)، «نقش قدرت نرم در گسترش بیداری اسلامی در خاورمیانه»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، شماره ۳۳.
۲۳. نای، جوزف (۱۳۸۷)، *رهبری و قدرت هوشمند*، ترجمه محمدرضا گلشن پزوه و الهام شوشتری زاده، تهران، مؤسسه ابرار معاصر تهران.
۲۴. وبر، ماکس (۱۳۶۷)، *مفاهیم اساسی جامعه شناسی*، ترجمه احمد صدارتی، تهران، نشر مرکز.

۲. منابع انگلیسی

1. Bourdieu, P (1986), "The Form of Capital", in: A.H. Halsey, Philip, Brown, Lauder weus, Amy Stuart (eds), *Education, Culture, Economy Society*, London, Oxford University Press.
2. Coleman, J (1988), "Social Capital in the Creation of Human Capital", *American Journal of Sociology*, No, 94.
3. Dahl, R (1957), "The Concept of Power", *Behavioral Science*, No, 2.
3. Lin, N (1974), *Foundation of Social Research*, New York, McGrew Hill.
4. Marsh, C (2000), "Social Capital and Democracy in Russia", *Communist and Post-Communist Studies*, No, 53.
5. Nye, J (1991), *Bound to Lead: The Changing Nature of American Power*, New York, Basic Books.
6. Nye, Joseph (2002), *The Paradox of American Power: Why the World's only Superpower can't go it Alone*, Oxford, Oxford University Press.
7. Nye, J (2004), *Soft Power*, New York, Public Affairs.
8. Putnam, R (2000), *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*, New York, Simon & Schuster.
9. Russell, B (1986), "The Forms of Power", In: S. Lukes (ed), *Power*, Oxford, Black Men.
10. Taylor, P.J & Flint, C (2000), *Political Geography*, London, Sage Publication.

12. Wang. J.T (2002), *Exploring Social Capital and Its Political Consequences, The Case of Taiwan*, Mishigan, Mishigan State University.
11. Winter, I (2000), "Towards a Theorised Understanding of Family Life and Social Capital". Available at: www.aifs.org.au
12. Wogget, G (1993), "Social Capital", *Rural Sociology*, No, 63.